



# اخلاق در آئین

# مسیح

● رضا غلامی



○ اخلاق در شش دین جهان  
○ ورنر منسکی و ...  
○ مترجم: محمدحسین وقار  
○ انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸

پیش از این با نگاهی گذرا به طرح دیدگاه‌های مؤلفان این اثر و نیز بخش مربوط به آئین هند و پرداختیم. اکنون به سراغ یکی دیگر از بخش‌های مهم این کتاب «آئین مسیح» رفته و مهمترین نکات این بخش را بیان می‌کنیم. همانطور که پیشتر گفته شد این اثر اخلاق در شش دین مهم جهان از جمله: هندوئیسم، بودیسم، سیکسزم، یهودیت، مسیحیت و اسلام را مورد بررسی قرار داده و هر بخش (دین) را یک مؤلف به ترتیب به نام‌های ذیل تالیف نموده است. ورنر منسکی، پلی مورگان، النور نسبیت، کلابولاتون، تروشانون و معشوق ابن علی. البته این اثر چیزی فراتر از اخلاق به معنای اصطلاحی را درباره ادیان مزبور بررسی کرده است و بعضاً رفتارهای قرن بیستمی دینداران را نیز در مقابل اصول و آئین‌های دینی مورد بررسی قرار می‌دهد.

همه حال امیدوار است و همه چیز را تحمل می‌کند.»  
در شرایط آرمانی، یک مسیحی احتمالاً گام‌های زیر را برای اخذ تصمیم برمی‌دارد.

مسیحی برای هدایت «دعا» می‌کند. با این کار این اعتقاد را نشان می‌دهد که روح القدس (روح خدا، یکی از اقاییم سه‌گانه) هادی انسانها به سوی جمیع راستی است. مسیحی بر این باور است که روح القدس می‌تواند از طریق وجدان مردم با آن‌ها سخن می‌گوید. به علاوه همه مسیحیان معتقدند که کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید که مجموعاً کتاب مقدس مسیحیان شمرده می‌شود) کلام خدا است و در این جایگاه، منبع مناسبی برای هدایت است. مسیحیان مختلف، کتاب مقدس را بطرق گوناگونی مورد استفاده و تفسیر قرار می‌دهند. برخی آن را راهنمایی «خطاناپذیر» می‌دانند. بعضی دیگر معتقدند که تعالیم دینی کتاب مقدس را باید در ظرف خاص آن بررسی نموده، و سپس در شرایطی خاص به کار برد.

مسیحیان می‌توانند برای تصمیم‌گیری به تعالیم سنتی مربوط به موضوعات دینی بنگرند. اینگونه تعالیم در ارتباط با همه موضوعات دینی وجود ندارد و اغلب تعالیم سنتی بخشی از نحل مسیحیت است. اما مسیحیان در مواردی که تعالیمی وجود ندارد، معتقدند: که روح مقدس خدا، در این مورد، از طریق سنت مذهبان آنها را به عنوان یک مجموعه - و نه از طریق فرد - هدایت خواهد کرد.

بعض مردم در کلمات مقدس و در نصوص سنتی مذاهب، قوانین

## ۱. هویت و اقتدار دینی

الف: مسیحی کیست

اعتقاد مسیحیان آن است که خدا مردم را، آنگونه که هستند «خوب» یا «بد» دوست دارد. مسیحیان بر این باورند که محبت خدا در زندگی، مرگ و قیامت مسیح - (صعود عیسی (ع) به آسمان پس از مرگ و دفن) - تجلی یافت. این تفکر بر طبیعت منحط مردم و گناه جلی - (گرایش به شر، که در نتیجه گناه آدم، در جیلت ابناء او جای گرفت) - فائق آمد. بر این اساس مسیحی می‌داند که خدا، او را دوست دارد، و با تلاش برای زندگی کردن بر طبق فرمان خدا، آن محبت را اجابت می‌کند این فرایند «تقدیس» نامیده می‌شود.

مسیحیان می‌کوشند (بنا به خواست مسیح) از مسیح «تقلید» کنند، و می‌توانند تصمیم‌های دینی خود را با پرسیدن این سؤال که عیسی چه می‌کرد؟ کنترل کنند. همچنین یک بار دیگر مسیحی می‌تواند تصمیم دینی خود را با این سؤال که آیا بر قانون «محبت» منطبق است؟ کنترل نماید. در میان همه قوانین و مقرراتی که می‌توان در سنت مسیحی یافت، قانون محبت برجستگی خاصی دارد. پولس رسول، محبت در مسیحیت را اینچنین تعریف می‌کند: «محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود. خشم نمی‌گیرد و سوءظن ندارد. از ناراستی خوشوقت نمی‌گردد ولی با راستی شادی می‌کند؛ در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید. در





لایتغیری را می‌بینند که در همه اعصار و در همه اماکن نافذ است. این دسته از مسیحیان گاهی مطلق‌گرا، سنت‌گرا، محافظه‌کار، شریعت‌گرا یا بنیادگرا خوانده می‌شوند. (در جامعه مسیحی هیچیک از این کلمات موهن نیست و تنها نامی است برای یک روش معین در تصمیم‌گیری.)

مسیحیان دیگر معتقدند: که همه قوانین رهنمودهایی هستند که باید یک به یک به عمل درآیند، و در هر مورد شرایط خاص آن باید مدنظر قرار گیرد. مسیحیانی که چنین تفکری دارند وضعیت‌گرا، وجدان‌گرا یا رادیکال خوانده می‌شوند. در عین حال یک مسیحی قرن بیستم به قرن بیستم تعلق دارد و برای او دیدگاهها و فشارهای معاصر قابل اجتناب نیست. البته ممکن است این دیدگاهها (یک قرن معاصر) بعضاً با «قانون محبت» یا «تقلید» از مسیح منافات داشته باشد. ولی مسیحیان امروز همچنان تحت تاثیر آن‌ها قرار دارند.

مؤلف معتقد است بر اساس آنچه بدان دست یافتیم چیزی به نام اخلاق مسیحی وجود ندارد، هرگز وجود نداشته و هیچگاه نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر پاسخهای خود را بر محبت استوار سازیم، در پاسخهای احتمالی مساله انعطاف در عمل و تنوع ایجاد می‌شود.

#### ب. اقتدار:

در عهد جدید چیز زیادی که حاکی از آن باشد که عیسی یک شورشی در مقابل اقتدار سیاسی وقت (امپراطوری مقتدر روم) بوده است، وجود ندارد... مسلماً بعضی اسفار عهد جدید می‌کوشند بر این نکته تاکید نمایند که مسیحیت چالشی سیاسی برای روم نبود. به نظر می‌رسد پولس رسول ساختار سلطه‌طلب عصر خود را پذیرفته باشد. پولس توصیه می‌کند که از قدرت دولت اطاعت کنند: «همه مطیع قدرتهای برتر شوند، زیرا قدرتی جز از سوی خدا نیست و آن قدرتهایی که هست، از جانب خدا مرتب شده است.»

#### پ. ثقات دین:

امروزه رهبران کلیسا دارای قدرتی که عیسی به حواریون منتقل کرد، تلقی می‌شوند. پاپ، قدم بر جای پای پطرس می‌گذارد، اما باید این نکته مهم را به خاطر داشت که همه مردمی که این قدرت را دارند باید خود را خدمتگزار خدا و خلق خدا بدانند.

#### ت. وظایف رهبران:

مسئولیت رهبران مسیحی، حفظ دین و موضوعیت آن در زمان و سخن گفتن از دین و اخلاق است. حتی غیر مسیحیان نیز از اصحاب کلیسا انتظار دارند که درباره «موضوعات روز» نیز نقشی پیشتاز برعهده گیرند. ولی برای بعضی از رهبران، این کاری است دشوار، زیرا در بعضی این موارد، یک نظر واحد صرفاً مسیحی وجود ندارد.

در مسیحیت ایام عهد جدید پادشاهان و امپراتورانی با قدرت نشأت گرفته از خدا و برخوردار از حقوق الهی و تدهین یافته از سوی خدا تلقی می‌شوند. از منظر تاریخی اغلب تعارضی قابل ملاحظه میان قدرت حکما و دولت وجود داشته است.

#### ث. تکالیف رعایا:

در دنیای معاصر غرب، اندیشه «رعیت بودن»، «وظیفه داشتن» یا «ملزم به اطاعت بودن»، وجهه‌ای ندارد. احتمالاً مردم می‌پرسند چرا ما باید از پاپ یا سراسقف اطاعت کنیم؟ مسیحیان اعتقاد دارند که توانایی آنان برای استدلال، استعدادی خدادادی است و وظیفه دارند که برای خود فکر کنند. همه مذاهب مسیحی اعتقاد دارند که مردم باید از وجدان خود - که در

عین حال وظیفه دارند آن را آگاه نگه دارند - اطاعت نمایند. مسیحیان وظیفه اطاعت از قدرت واقعی کشورشان را می‌پذیرند اما اگر این قدرت فاسد یا ظالم باشد، ممکن است وضعیتی پیش آید که لازم باشد در مقابل آن بپاخیزند.

#### ۲. شخصی و خصوصی:

##### الف. صفات شخصی

مسیحیت هفت فضیلت را می‌شناسد، که به ثمره روح بسیار نزدیک است. سه فضیلت لاهوتی: ایمان، امید، محبت و چهار فضیلت اصلی: تدبیر، عدالت، اعتدال و ثبات. فضایل اصلی با فضایل فرهنگ کلاسیک یونان و روم تناخل دارد. مسیحیان معتقدند که این صفات مواهب الهی - و نه ثمره تلاش انسان - است.

##### ب. دوستی:

هنگامی که عیسی می‌گوید «هیچکس محبت بزرگتر از این را ندارد که جان خود را برای دوستان خود بدهد» در واقع از تکالیف عظیم دوستی سخن به میان می‌آورد. دوستی از نظر بعضی مسیحیان به قدری مهم است که خود را «انجمن دوستان» می‌خوانند. با آرمان مسیحی محبت به همه از جمله دشمن، توسیع یافته است.

##### پ. روابط جنسی قبل از ازدواج:

نظر مسیحیان آن است که سکس موهبیتی است خداداد، که باید از آن استفاده و لذت برد. اما سکس همانند دیگر موهبت‌های الهی اگر مورد

پارلمان بریتانیا مجازات سخت رفتارهای همجنس‌گرایانه را کنار گذاشت و انجام فعل همجنس‌گرایی به طور خصوصی در میان بزرگسالان در «سن رضایت» قانونی شد. از نظر اخلاقی همجنس‌گرا از کور مجرم‌تر نیست. برخی از مذاهب مسیحی معتقدند: همجنس‌گرا - اعم از مرد یا زن - و اینکه فعل همجنس‌گرایی انجام دهد یا خیر - فردی است که خدا او را دوست دارد، و مسیح برای او مُرد. بنابراین مسیحی نباید همجنس‌گرایان را محکوم کند، بلکه باید به او شفقت و کمک کند. زیرا این وضعیتی نیست که فرد به انتخاب خود حاصل کرده است...

### ۳. ازدواج و خانواده:

#### الف. معنای ازدواج:

ازدواج در مسیحیت پدیده‌ای منحصر به فرد نیست. و در ماهیت ازدواج با بیشتر ادیان مشترک است. در اشکال قدیمی مراسم ازدواج، سه دلیل برای ازدواج ذکر می‌شود:

۱. داشتن فرزند ۲. معاشرت، مساعدت و آرامش متقابل ۳. اجتناب از گناه. همچنین دلایل ارائه شده در اشکال جدید مراسم ازدواج عبارت است از:

۱. معاشرت، مساعدت و آرامش متقابل ۲. خوشی حاصل از اتحاد جسمانی و تقویت اتحاد دلها و جانها ۳. داشتن فرزند.

#### ب. روابط خانوادگی

خانواده در غرب مرکب از مرد و زنی است که «آزادانه» یکدیگر را به عنوان «شریک زندگی» انتخاب می‌کنند و در خانه خود با فرزندانشان زندگی می‌کنند. این الگوی زندگی خانوادگی، الگویی نسبتاً مؤخر است. در گذشته ازدواجها وسیله بقای اقتصادی یا اتحاد خانواده‌ها یا قبیله‌ها بود و انتخاب آزادانه شریک زندگی غیرمعمول بود.

ارزشهای مربوط به خانواده در مسیحیت، از یهودیت، تعالیم عیسی، دیگر تعالیم عهد جدید و شرایط اجتماعی معاصر مایه می‌گیرد. پولس رسول به جوانان مسیحی اندرز می‌دهد و از روایتی که باید در درون خانواده وجود داشته باشد سخن می‌گوید: «از یکدیگر در خدا ترسی اطاعت کنید. ای زنان، از شوهران خود اطاعت کنید چنانکه از خداوند اطاعت می‌کنید، زیرا شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا است.» «ای شوهران، به زنان خود محبت کنید، چنانکه مسیح هم به کلیسا محبت نمود و جان خویش را برای آن داد.» «ای فرزندان از والدین خود در خداوند اطاعت کنید، زیرا این انصاف است... و ای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید.»

زندگی امروزی همه‌گونه فشار را بر خانواده‌ها تحمیل می‌کند. تحرک، افراد را از ریشه‌هایشان جدا می‌سازد. امروز که مدارس، تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، فرهنگ پاپ (مردمی ساختن هنر و استفاده از موضوعات عادی در هنر) و فرهنگ جوانان هر یک داعیه‌ای - اغلب متعارض - دارند، اقتدار قاطع والدین دیگر وجود ندارد. والدین نمی‌دانند چه بکنند. سهولت خود را بی‌کفایت می‌یابند، و یا در استبداد پناه می‌جویند - قانون وضع می‌کنند و خطر طغیان فرزندان خود را ایجاد می‌کنند - و یا به «تساهل» رو می‌آورند - به فرزندان خود اجازه انتخاب و تصمیم‌گیری می‌دهند - اگر چه ممکن است این گونه انتخابها و تصمیم‌ها مصیبت‌بار باشد.

#### پ. انحلال نکاح:

مشکل واقعی مسیحیان با طلاق و ازدواج مجدد است. این یکی از موضوعاتی است که مسیحیان را به مطلق‌گرا و نسبی‌گرا تقسیم می‌کند. مطلق‌گرایان می‌گویند: اگر ازدواج مسیحی مادام‌العمر است، پس ازدواج دوم



سواستفاده قرار گیرد، دیگر موجب خوشی و سعادت نخواهد بود. اعتقاد سنتی مسیحیان این بود که فعالیت جنسی تنها در چهارچوب ازدواج می‌تواند نقش وحدت‌بخش و تناسلی خود را صحیحاً ایفاء نماید. دیدگاه مسیحیان آن است که انسانیت از طریق اجتماع مذکر و مؤنثی که هرکدام جداگانه ناقصند به طور کامل تحقق می‌یابد. علاوه بر آن مسیحیت بخاطر عواقب بد آن معترض به بی‌بند و باری جنسی می‌باشد.

#### ت. هم جنس‌گرایی

عهد عتیق فعل هم جنس‌گرایی را محکوم می‌کند. «با دکور، مثل زن، جماع مکن زیرا که این فجور است» و در ادامه درباره مجازات آن اضافه می‌کند: «البته هر دوی ایشان کشته شوند.» پولس رسول با لحنی شدید از فساد که در جامعه می‌بیند سخن می‌گوید: «زنانشان نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل کردند و همچنین مردان نیز استعمال طبیعی زنان را ترک گفتند و در آتش شهوت به یکدیگر سوختند. مرد یا مرد مرتکب عمل شنیع شد...» اما در دهه ۱۹۵۰ این طرزتلقی تغییر کرد و



محلی از اعراب ندارد، و اگر عقد چنین ازدواجی جاری شود آن ازدواج در حکم «زنا» است. بنظر می‌رسد این همان منظور عیسی بود که گفت: «هرکه زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، در حق وی زنا کرده باشد.» و برای زن نیز متارکه چنین حکمی دارد. مسیحیان دیگر به این موضوع به گونه‌ای دیگر می‌نگرند. عیسی می‌گوید: «هرکه به غیر علت زنا زن خود را از خود جدا کند، باعث زنا کردن او می‌باشد». استثنایی که هستی قائل می‌شود ظاهراً نشان‌دهنده آن است که عیسی زنا را به عنوان دلیلی کافی برای طلاق پذیرفته است. لذا در سالهای اخیر بعضی مسیحیان «مرگ» یا «انحلال نکاح» را موجب فسخ عقد و جواز ازدواج مجدد تلقی نموده‌اند. امروزه دو راه برای معاضدت وجود دارد. کمک مشاوران زناشویی در جهت حل مسائل زوج و اقدام روحانیان در فراهم نمودن زمینه بحث و فحوص جوانانی که قصد ازدواج دارند درباره معنای ازدواج و ...

#### ۴. استفاده از زمان و پول و تاثیر بر آنها الف. آموزش:

مسیحیان بر این باورند که مقصود از آموزش، کمک به فرد برای تحقق همه استعدادها و رشد است، تا بتوانند عضوی مفید و نافع برای جامعه باشند. قول پولس رسول برای بسیاری از مسیحیان آرمان تحصیلات را بیان می‌دارد.

قرنها در اروپا، کلیسا تنها مرکز تعلیم بود. دانشکده‌ها و دانشگاهها نهادهای مسیحی بودند. تنها در قرن نوزدهم بود که دولت شروع به پذیرش مسوولیت آموزش نمود. در بریتانیا مدارس کلیسا منحل نشد. اینک یک نظام دوگانه مرکب از تعدادی از مدارس کلیسا در کنار اکثریت وسیع مدارس دولتی وجود دارد. در بریتانیا اغلب مدارس مستقل یا خصوصی در اصل مسیحی هستند. مقصود از یک مدرسه کلیسا تلقین مسیحیت به بچه‌ها نیست. بلکه آن است که روح و فضای مدرسه مسیحی باشد. البته باید توجه داشت که، آموزش مسیحیت هیچگاه به مدارس محدود نبوده و نمی‌تواند باشد. لذا خانه و جامعه متدین محلی نیز نقشی اساسی در تعلیم مسیحیت به کودک دارند.

#### ب. کار:

تلقی مسیحیت از کار به طور وسیع از دیدگاه یهود مقتبس است. کار محترم است؛ در عین حال یک ضرورت است. به همه پسران یهودی پیشه‌ای را می‌آموختند، از سوی دیگر، از نظر آنان کار شاق پیامد عدم اطاعت از خداست. پولس رسول با لحنی شدید حکم می‌کند که مسیحیان نباید «انگل» باشند «این را به شما امر کردیم که اگر کسی می‌خواهد کار نکند، خوراک هم نخورد» نفوذ یهود موجب اعتقاد مسیحیان به شرافت کار شد. و این طبیعتاً بیکاری را بی‌اعتبار می‌سازد.

#### پ. اوقات فراغت و استفاده از آن:

از نظر مسیحیان، اعتیاد به کار همانند کاهل بودن بد است. اوقات فراغت یک بخش ضروری و خوب زندگی است. از نظر مسیحیان عیسی بر صحت استراحت و فراغت تأکید نموده است. «بدیشان گفت شما به خلوت... بیایید و اندکی استراحت نمایید. زیرا آمد و رفت چنان بود که فرصت نان خوردن نیز نکرده‌اند.»

منظور از سرگرمی فعالیتی است که انسان را بار دیگر «نو» کند. فرایند نوسازی فی نفسه خوب است. بنابراین ضرورتی ندارد که سرگرمی‌ها جدی یا اصلاح‌کننده باشند تا خوب تلقی شود.

#### ت. ثروت:

مسیحیان معتقدند که دنیا خلقت خداست و نوع بشر باید از نعمت‌های خدا استفاده نمایند. رفاه چیزهای خوب زندگی شیطانی نیستند. واضح است که پول فی نفسه نه خوب است نه بد. یک پوند یا یک دلار (یا یک میلیون از آنها) هیچ صیغه اخلاقی ندارد. آنچه مهم است شرایط زندگی فرد و نحوه استفاده از ثروت در آن شرایط است.

مؤلف می‌گوید: عیسی در جهانی زندگی می‌کرد که در آن بعضی غنی - حتی بسیار غنی - بودند. دیگران فقیر - و اغلب بسیار فقیر - بودند. عیسی حرفهای زیادی داشت که خطاب به فقرا و درباره فقرا بگوید. عیسی می‌گوید: «روح خدا بر من است زیرا که مرا مسیح کرد تا فقیران را بشارت دهم» همچنین در جای دیگر می‌گوید: «چه دشوار است که اغنیاء در ملکوت خدا داخل شوند؛ سهل‌تر است که شتر به سوراخ سوزن درآید از اینکه شخص دولتمند به ملکوت خدا داخل شود» همچنین در جای دیگر می‌گوید: «خدا و اموال را نمی‌توانید با هم خدمت کنید» و بالاخره سخن پولس رسول در عهد جدید که: «طمع ریشه همه بدی‌ها است.» مؤلف در تغییر این بیانات می‌گوید: پول انسان را به اسارت می‌کشد بطوریکه به جای آنکه شخص مالک ثروت باشد، ثروت مالک شخص می‌شود. وی ادامه می‌دهد: وضع موجود مسیحیان را به کجا می‌برد؟ به دنیایی که در آن نابرابریهای بسیار در ثروت وجود دارد. ملت‌های مرفه غرب در تباہی آشکار با جهان سوم قرار دارند. ما در جامعه خود می‌توانیم تلویزیون و یخچال را از ضروریات بدانیم، حال آنکه برای بسیاری از مردم جهان یک وعده غذا در روز تجملی است. آگهی‌های تجاری مردم را وادار به خرید چیزهایی می‌کند که اغلب مورد نیازشان نیست...

#### ث. مواد مخدر:

بیشتر مسیحیان معتقدند: که استفاده طبی دقیق از مواد مخدر کاملاً قابل قبول و خوب است. بدین ترتیب مواد مخدر، بمثابه نعمتی خداداد در خلقت تلقی می‌شود. که در صورت استفاده مناسب، برای نوع بشر مفید خواهد بود. در عین حال اگرچه استفاده از مواد مخدری چون کوکائین، هروئین و کانابیس در صدر اخبار مطرحند، ولی مواد مخدر کنترل نشده، چون الکل و نیکوتین، برای مردم خطرات به مراتب بیشتری دارد. بدین دلیل است که اغلب گفته می‌شود اگر قرار باشد جامعه را از نو بسازیم، باید نیکوتین و الکل هم غیرقانونی گردد.

مسیحیان با توجه به الگوی شفاف مسیح که در برابر خود دارند، تنها می‌توانند با محبت و رحمت با اعتیاد به مواد مخدر برخورد نمایند... یک نفر هرچقدر هم که منحط باشد، از نظر مسیحیان کسی است که مسیح برای او مرد. بسیاری از مسیحیان می‌گویند که کمک به چنین شخصی در واقع کمک به مسیح است این بدان دلیل است که مسیح در همه مردم حضور دارد، و نیز بدان دلیل که مسیح گفت: «آنچه به یکی از برادران کوچک‌تر می‌کردید به من کردید.»

بسیاری از مسیحیان بر این گمانند که مساله استعمال مواد مخدر در حال حاضر، همانند نوشیدن مشروب یک صد سال پیش، ناشی از ناخوشنودی از زندگی است... اما علاوه بر آن به نظر می‌رسد که بسیاری از مردم مواد مخدر را تجربه می‌کنند. زیرا زندگی آنها پوچ است و از این خلاء به ستوه آمده‌اند. مسیحیان می‌گویند این خلاء بدان دلیل است که در سطحی صرفاً مادی زندگی می‌کنند. زندگی آنها عمق ندارد، عمقی که تنها ایمان به خدا آن را فراهم می‌آورد. گاهی گفته می‌شود: که مردم عصر حاضر «حفره‌های

#### مسیحیان استدلال

می‌کنند که اگر مردم به بعد معنوی زندگی خود اقبال بیشتری نشان می‌دادند، زندگی آنها این قدر توخالی نبود و همان هیجان حاصل از کشف افق‌های تازه را در ورای زندگی عادی و روزمره خود تجربه می‌کردند.



به شکل خدا» در زندگی دارند. مسیحیان استدلال می‌کنند که اگر مردم به بعد معنوی زندگی خود اقبال بیشتری نشان می‌دادند، زندگی آنها این قدر توخالی نبود و همان هیجان حاصل از کشف افق‌های تازه را در ورای زندگی عادی و روزمره خود تجربه می‌کردند. مواد مخدر جانشینی است ناکافی برای تجربه دینی.

#### ج. رسانه‌ها:

رسانه‌ها در شکل‌دهی افکار مردم به قدری مؤثرند که مسیحیان احساس می‌کنند که کلیساها باید برای ارائه دین و معیارهای خود، از رسانه‌ها استفاده کاملتری بکنند. بعضی مسیحیان حتی اعتقاد دارند که نفوذ رسانه‌ها به قدری زیاد است که محتوای برنامه‌ها و روزنامه‌ها باید با دقت «بازبینی» و در صورت لزوم، «سانسور» شود. تا مبدا آنچه که مردم می‌بینند، می‌شنوند یا می‌خوانند آنها را به فساد بکشد. برخی دیگر فکر می‌کنند که سانسور آزادی انسان را محدود می‌سازد و گامی است به عقب.

#### چ. تبلیغات:

آگهی‌های تبلیغاتی - به عنوان محصول تنها یک جامعه مرفه - مشوق شهوت داشتن است، و ضعف‌ها و نقص‌ها را برای القاء این اندیشه به کار می‌گیرد که اگر از محصولی خاص مصرف نکنند، مرد واقعی، زن واقعی، اهل مد یا محبوب نخواهند بود. مسیحیان نمی‌توانند این نوع آگهی را تایید کنند. زیرا تلقی از شخصیت انسان را تضعیف نموده، یک نظام ارزشی مباین مسیحیت ارائه می‌کند.

#### ۵. کیفیت و ارزش زندگی الف. سالمندان:

مسیحیت احترام به سالمندان را از یهودیت به ارث برد. سالمندان چیزهای زیادی دارند که به جوانان بدهند. اغلب پیوند بسیار خاصی میان والدین بزرگ و نوه‌ها وجود دارد. اما این تردید کلی وجود دارد که آیا جامعه از این اندوخته خود و تجربه سالمندان حداکثر استفاده را می‌کند؟ هنگامی که نسل جوان‌تر به سالمندان فکر می‌کنند، بیشتر از دید مسائل و احتیاجات به آنها می‌نگرند البته سالمندان نیازهایی دارند از جمله نیاز به امنیت.

#### ب. نیازمندان:

به اعتقاد مسیحیان، هر کس به نحوی نیازمند است. همه انسانها ناقص و نیازمند محبت خدایند. حتی ممکن است مرفه‌ترین افراد - از نظر مادی - نیازهای عمیقی داشته باشند. بیماری، ناخوشی، اضطراب، تنهایی، ترس از مرگ و داغیدگی بر آنها، هم چون دیگران، تاثیر دارد.

واکنش مسیحیان به نیازمندان بر پایه تعالیم و سنت عیسی استوار است. در موعظه بر روی کوه، عیسی درباره نحوه عمل بر سه جنبه بزرگ دین، یعنی دعا، روزه و صدقه صحبت کرد اما او نیازی نداشت که صحت صدقه یا کمک به نیازمندان را برای صالحان اثبات کند زیرا بر این باور بود که اینها بخش پذیرفته شده‌ای از دین یهودی آنان است. در بسیاری از نقاط اناجیل، عیسی را در تماس با نیازمندان می‌یابیم. اغلب درباره نیازهای فقرا، معلولان و کسانی که محرومیت خاصی دارند، مانند بیوه‌زنان و یتیمان، صحبت می‌کند... پاسخ مسیحیان به نیازمندان در قرن بیستم متوجه افراد و ملت‌ها است که از طریق کارگزاریهایی چون: «کمک مسیحی» ارائه می‌گردد که همواره دو هدفی دوگانه دارد. اول: پاسخ به مسائل فوری، مانند، تامین خوراک، پوشاک دارو، مسکن و ... و دوم: که شاید مهمتر باشد. تلاشی است برای کشف علل نیازمندی و محرومیت تا بتوان به رفع آن پرداخت.

#### پ. سقط جنین

این موضوعی است که درباره آن اختلاف نظر فراوانی میان مسیحیان وجود دارد. سخت‌گیران معتقدند که همه موارد سقط جنین نادرست است. افراد آزادمش اعتقاد دارند که تصمیم‌گیری درباره سقط جنین باید به عهده فرد فرد زنان گذاشته شود.

تعالیم مسیحیت در این باره در طول قرون ثابت نبوده است. در دو قرن اول ایام مسیحیت، که سقط جنین و بچه‌کشی معمول بود، کلیساها قاطعانه با آن مخالفت می‌نمود. بعدها، میان جنین «شکل نیافته» که به اعتقاد آنان روح نداشت و جنین «شکل یافته» که دارای روح بود تمایز قائل شدند... قانون سقط جنین در بریتانیا، مورخ ۱۹۶۷، مقرر می‌دارد که سقط جنین پس از ۲۸ هفته از بارداری غیرقانونی است. دلیل انتخاب این زمان آن است که از آن به بعد جنین معمولاً ممکن‌الحیات می‌گردد. اغلب مردم بر این نکته توافق دارند که قتل جنین ممکن‌الحیات، در حکم قتل نفس است. در اواخر سال ۱۹۸۷، لایحه‌ای در پارلمان بریتانیا مطرح شد که هدف آن کاهش مدت قانونی سقط جنین تا ۱۸ هفته بود. دو دلیل برای این طرح وجود داشت، اول آنکه: با پیشرفت‌های علم پزشکی جنین در مدت زمانی زودتر می‌توانست ممکن‌الحیات شود. و دلیل دوم: تمایل عمومی به کاهش تعداد موارد سقط جنین بود... مذهب کاتولیک تنها مذهب مسیحی است که در این قرن احکام دقیقی درباره سقط جنین صادر نموده است. نظر مذهب کاتولیک آن است که در زمان بسته شدن نطفه یک زندگی منحصر بفرد تشکیل شده و در نتیجه سقط آن در هر زمان، خطاست. مسیحیان غیرکاتولیک و نیز پیروان ادیان دیگر و حتی مردم «بی دین» هم ممکن است از این نظر حمایت کنند. دیگران مایلند که به هر مورد به صورت منفرد بنگرند. و عوامل ذیربط در آن را مورد توجه قرار دهند: ۱. سلامتی مادر و خانواده ۲. شرایط باردار شدن زن (تجاوز به عنف) و ۳. سن مادر. همچنین ممکن است این تصور بوجود آید که جامعه‌ای که بی‌درنگ سقط جنین را می‌پذیرند، بهای ناچیزی برای حیات قائل است، که در نتیجه احتمال دارد عدم همد حیات به سالمندان و معلولان نیز تعمیم یابد.

#### ت. مرگ بی درد:

بسیاری از مسیحیان استدلال می‌کنند که مردم مالک زندگی خود نیستند، زندگی نعمتی خداداد است و هیچ‌کس حق ندارد به آن خاتمه بدهد. بدین دلیل است که هنوز بیشتر مسیحیان عمل خودکشی را عملی نادرست تلقی می‌کنند. هرچقدر هم که مرگ بی‌درد مطلوب باشد، ممکن است گاهی بنظر برسد که حق خدا را گرفته و به انسان می‌دهد. در حال حاضر، همه اشکال مرگ بی‌درد غیرقانونی است اما بعضی مردم از آن می‌ترسند که قانونی شدن مرگ بی‌درد داوطلبانه به عواقب وخیمی بینجامد. اگر قرار باشد برای بیمار فلج یا در حال اغماء تصمیمی گرفته شود، چه تضمینی وجود دارد که اینگونه تصمیم‌گیریها به موارد عوارض پیری، اختلال مشاعر، معلولیت‌های سخت و غیر آن تعمیم نخواهد یافت؟

#### ع. حق و ناحق

#### الف مقصود قانون:

مسیحیان اعتقاد دارند، علاوه بر قوانین فیزیکی، قوانینی دینی هم وجود دارد که عدم رعایت آنها می‌تواند موجب درد و الم گردد. کتاب مقدس گاهی از «خشم خدا» سخن می‌گوید. این بدان معنا نیست که خدا کینه‌جویانه مراقب مردم است و اعمال آنها را تحت نظر دارد و آماده است ناقضان قوانین خود را سرکوب و تنبیه نماید. بلکه بدان معنا است که خداوند جهان را به شکلی خاص نظم داده است و اعمالی که مغایر دستورات او باشد،

احتمالاً نتایج - و حتی مجازات - خود را در پی خواهد داشت. پولس رسول نوشت... «شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو است». اما عیسی با مراجع دینی زمان خود تعارض یافت و اقتدار قانون را به چالش کشید. گاهی به نظر می‌رسد عیسی تکالیف مقرر در قانون را نشدید کرده باشد: «شنیده‌اید که به آنها گفته شده است زنا مکن، لیکن من به شما می‌گویم هر کس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است.

#### ب. گناه و گناهان:

مسیحیان به گناه به عنوان دلیل این آشفتنگی اشاره می‌کنند. کلمه «گناه» اغلب در مورد اعمال نادرست خاصی به کار می‌رود. مانند: سرقت، دروغ‌گویی و زنا. تلقی گناه به معنای بیگانگی یا جدایی از خدا نیز صحیح است. از نظر مسیحیت این ریشه همه مصائب انسانی است. مسیحیان معتقدند که با سرپیچی انسان از خدا، گناه آغاز شد. پس از آن فطرت انسان میوب شد و هیچ نسلی از اثرات آن در امان نماند.

#### پ. مجازاتها:

معمولاً مسیحیان مجازات را حق می‌دانند. مجازات نشان می‌دهد که نمی‌توان قانون را نقض کرد و از کیفر آن در امان ماند. مجازات به جامعه اطمینان می‌دهد که با قوانینی که نفاذی دارند از آن محافظت می‌شود. در عین حال، گناهکار قانع می‌شود که با تحمل مجازات، گناه او پاک می‌شود. لازم است مسیحیان همواره مراقب باشند که مجازات منصفانه و متناسب با گناه باشد... مسیحیان با مجازات اعدام مخالفند، زیرا به نظر آنها، جامعه را تا سطح مجرم تنزل می‌دهد و در عین حال، جایی برای تصحیح اشتباهات احتمالی قضات و هیات منصفه باقی نمی‌گذارد.

#### ت. ظالم و مظلوم:

مجازات با محبت ناسازگار نیست... جامعه مکلف است خطاکار را مجازات و از او مراقبت نماید. هدف مجازات باید اصلاح و تنبیه باشد. اما گر مجرم به مجازاتی بسیار سخت محکوم شود، این هدف محقق نخواهد شد. همچنین اگرچه زندان یک مجازات است، ولی وجود شرایط معقول، خوراک و ورزش در آن ضروری است. مسیحیان می‌گویند که انسانها باید یکدیگر را عفو کنند، زیرا تنها در این صورت است که خدا با آنها به معامله می‌پردازند.

#### ۷. برابری و اختلاف

#### الف. تفاوت‌های مردم:

پولس رسول درباره تفاوت‌های مردم، تلقی مسیحیت را بدین گونه ابراز داشت که «هیچ ممکن نیست که یهودی باشی یا یونانی، غلام یا آزاد، مرد یا زن، زیرا همه شما در مسیح عیسی یکی می‌باشید».

تقریباً همه مسیحیان به این تلقی از وحدت نوع بشر معتقدند. اما استثنائاتی نیز وجود داشته است. بعضی پیروان کلیسای اصلاح شده هلند در آفریقای جنوبی مدعی شده‌اند که نژاد سفید از نژادهای سیاه یا رنگین پوست برتر است.

#### ب. تلقی از دیگر ادیان

درباره این موضوع سه دیدگاه اساسی در مسیحیت وجود دارد ۱. دیدگاه انحصارطلبان ۲. دیدگاه شمول‌طلبان ۳. دیدگاه کثرت‌گرایان بر اساس دیدگاه انحصارطلبان بیرون از کلیسا نجاتی نیست. آنها به این گفته عیسی استناد می‌کنند که: گفت من راه راستی حیات هستم. هیچکس، جز به وسیله من، نزد پدر نمی‌آید.

شمول‌طلبان اغلب به داستانی از کتاب اعمال رسولان در عهد جدید اشاره می‌کنند. در این داستان، پولس که از آن دین می‌کند، می‌گوید مردم



یونان بسیار دیندارند اما خدای ناشناسی را می‌پرستند. شمول‌طلبان آن دسته از پیروان ادیان دیگر را که زندگی‌شان با معیارهای اخلاقی مسیحیت هماهنگ باشد، به عنوان «مسیحیان ناشناس» تلقی می‌کنند.

دیدگاه سوم بخصوص توسط جان هیک بیان گردیده است. هیک استدلال می‌کند که همه ادیان بر واقعیت اهتمام دارند که مردم را قادر می‌سازد از سوی خودمحوری بسوی واقعیت محوری بروند...

مؤلف معتقد است: تغییری که در قرن بیستم در دیدگاه مسیحیان واقع شد به مقدار زیاد مدیون افزایش آگاهی و درک مسیحیان و نیز مشارکت آنان در گفتگوی میان ادیان است.

#### ب. تلقی از نژادهای دیگر:

مسیحیت به یک نژاد یا ملت خاص محدود نبوده و نمی‌تواند باشد. از نظر مسیحیان، مردم دیگر نژادها و ملت‌ها، برادران و خواهران مسیح و تحت ابوت واحد خدایند.

#### ت. زنان و مردان:

گاهی مسیحیان به تبعیض علیه زنان متهم می‌شوند. این اتهام بدلیل نقشی است که در حیات کلیسا و در جوامع غربی - که از تعالیم و دیدگاه‌های مسیحی تاثیر یا شکل گرفته است - بصورت سنتی به زنان محول شده است. این حقیقتی است که در حیات کلیسا اغلب وظایف دین و فرودست مردان را برعهده زنان می‌گذارند. اما اوضاع دگرگون گشته و هم‌چنان نیز در حال تغییر است. در سال‌های اخیر، کلیسای انگلیس، زنان کشیش را برای نخستین بار به کار گماشت که از نظر مذهب کاتولیک و مذهب ارتودوکس شرقی این عمل درست به نظر نمی‌رسد.

مکالمه عیسی با زنان سامری، حکم او درباره زنی متهم به زنا، دوستی او با مریم و مرتداد و پذیرش مریم مجدلیه، همگی شاهدهی است بر تلقی آزادمنشانه و بی‌دغدغه مسیح نسبت به زنان.

مسیحی به محتاجان و کسانی است که از او تقاضای کمک می‌کنند. مسیحیان می‌کوشند با الهام از تعالیم و سرمشق به یوحنا پاسخ گویند. «لیکن کسی که معیشت دنیوی دارد و برادر خود را محتاج ببیند و رحمت خود را از او بازدارد، چگونه محبت خدا در او ساکن است.»

#### ب. اقدام برای کنترل جمعیت:

از نظر مسیحیان این سؤال وجود دارد که آیا لوث کردن نقش تناسلی مضاجعت درست است؟ و اگر درست است چه روشی برای انجام آن قابل قبول است؟ از منظر تاریخی، کنترل جمعیت روشی نسبتاً معمول بوده است در میان یونانیان و رومیان قدیم، سقط جنین و رها کردن نوزادان در صحرا شیوه‌های معمول خلاصی از فرزندان ناخواسته بوده است. کلیسای قرون اولیه، این دورویه را مردود می‌شمرد. قدیس آگوستین گفت که تنها مقصود و توجیه مضاجعت، زاد و ولد است... کلیسا به طور سنتی این گونه تعلیم داد که تنها روش مجاز جلوگیری از بارداری پرهیز از روابط جنسی است.

در سال ۱۹۵۱ پاپ پیوس دوازدهم به امساک ادواری اشاره کرد و بدین ترتیب، استفاده از ایام ناباروری ماهانه زنان به عنوان روش برخورداری از روابط جنسی بدون بارداری، برای زوجهای متاهل پذیرفته شد... در دهه ۱۹۶۰ شورای دوم واتیکان اعلام داشت که مضاجعت وسیله‌ای است برای ایجاد و تحکیم اتحاد مادی و نیز تولیدمثل.

امروزه، شرایط زندگی در غرب و تغییر جایگاه خانواده و فرزندان، از آنچه در دوران قدیم وجود داشته، بسیار متفاوت است. مسیحیان کوشیده‌اند در تفکرات خود راجع به کنترل موالیید، این شرایط جدید را در نظر بگیرند. یک روش افراط‌آمیز جلوگیری از بارداری عقیم‌سازی یکی از زوجین است. مسیحیان معمولاً عقیم‌سازی را تنها به دلایل بهداشتی مجاز می‌دانند. در نهایت، اغلب زوجهای مسیحی معتقدند که با اطلاع از تعالیم کتاب مقدس، سنت‌های کلیسا و افکار و ادعیه خود داوری نهایی درباره اعمال یا عدم اعمال روشهای جلوگیری از بارداری و نوع آن بر «عهده وجدان» آنهاست.

#### پ. سیاره زمین و بوم‌شناسی:

در این مورد، رهیافت مسیحیت بر پایه این اعتقاد استوار است که عالم مخلوق خداست، و انسانها به عنوان مخلوق خدا، نباید چنین رفتاری با آن داشته باشند. چکامه خلقت در سفر پیدایش از حسن خلقت خدا سخن می‌راند: «و خدا هرچه ساخته بود دید و همانا بسیار نیکو بود». در همین چکامه، از نقش ویژه انسان در خلقت نیز سخن به میان آمده است: «و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌روند، حکومت کنید».

مسیحیان معتقدند جهان عرض نیست. برعکس، خداوند دنیا را خلق کرد و جایگاهی با مسوولیتی در درون خلقت و در قبال آن برای انسان در نظر گرفت.

مؤلف ادامه می‌دهد: اما وضعیت فعلی سیاره زمین حاکی از آن است که مردم همواره مسوولیت خود را انجام نداده‌اند و اغلب با حرص، مسامحه‌کاری و جهل خلقت خدا را به تاراج داده‌اند...

پولس آماج خشم و غضب زنان قرار می‌گیرد. پولس رسول اندیشه‌ها و عرف زمان خود را سنتی‌تر از عیسی مطرح می‌سازد. بنابراین می‌نویسد مرد سر زن است همانطور که عیسی سر کلیسا است. پولس رسول در هنگام بررسی ترتیبات عبادات عمومی نوشت: زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود. اما در عین حال همین پولس در جای دیگر می‌گوید: هیچ مهم نیست که یهودی باشید یا یونانی، غلام یا آزاد، مرد یا زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یکی می‌باشید.

مسیحیان اعتقاد دارند که خدا دو جنسیت را آفرید. تفاوت‌های این دو جنس بسیار است. و نباید تظاهر کنیم که تفاوتی وجود ندارد... دوگانگی نسبت به زنان بخشی از دوگانگی مسیحیت در قبال امور جنسی و ازدواج است. مسیحیت اغلب بر تجرد و اجتناب از زنان به عنوان لازمه اعتلای معنوی، تاکید نموده است. اما اینک مسیحیان تاکید دارند که تفاوت‌های میان مردان و زنان مانند همه تفاوت‌های دیگر میان انسانها، در مقایسه فطرت مشترک انسانها، به عنوان فرزندان خدا و مخلوق و محبوب خدا، به چیزی گرفته نمی‌شود.

#### ث. آیا همه مردم برابرند؟

#### ۸. تقسیمات ملی، جنگ و صلح

#### الف: علت وجود ملت‌های مختلف:

با کوچک‌تر شدن دنیا در نتیجه ارتباطات، به گونه‌ای که مردم می‌توانند از دهکده جهانی سخن گویند، میهن‌پرستی تنگ‌نظرانه، از نوع «درست و نادرست کشور من» فاقد کفایت و غیرمسیحی محسوب می‌گردد. علاوه بر آنکه هم‌کیشیان مسیحی در میان ملت‌های دیگر نیز وجود دارند. مسیحیان معتقدند که خدا مردم همه کشورها را خلق کرد و عیسی تجسم محبت خدا به کل جهان است.

پولس رسول می‌گوید: «هر امت انسان را از یک خون ساخت، تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند.»

#### ب. برخورد میان ملت‌ها:

عهد عتیق، تاریخ روابط خدا با اسرائیل است، تاریخی که سرتاسر آن جنگ است. در این تاریخ می‌توان حوادثی را یافت که در آنها خدا مشوق خونین‌ترین نوع جنگ تلقی شده است... در عین حال، عهد عتیق چشم‌اندازی الهام‌بخش از صلحی را که صرفاً نبود جنگ نیست، بلکه امنیتی مستقر و مقنع را فراهم می‌آورد، ارائه می‌نماید.

عیسی گفت که خوشا به حال صلح‌کنندگان، زیرا ایشان پسران خدا خوانده می‌شوند. مسیحیان معتقدند که خدا به صلح تمایل دارد اما در عین حال مایل است که نوع بشر با برخورداری از عدالت و آزادی زندگی کند. مسیحیان، علاوه بر محکوم کردن جنگ به طور کلی به عنوان یک ظلم، با دیگران در ابراز وحشت و هراس از بکارگیری بالقوه تسلیحات جدید هم‌صدا می‌شوند.

#### ۹. مسائل جهانی:

#### الف. اقدام در قبال فقر جهانی:

مسیحیان به دو دلیل در قبال فقر جهانی احساس مسوولیت می‌کنند. اول: سرمشق و تعالیم روشن عیسی که فقرا را بخصوص سعادت‌مند و درخور توجه مخصوص می‌داند. دوم، کشورهای جهان سوم، علاوه بر بلایای طبیعی، گرفتار استثمار نیز بوده‌اند. مسیحیان معتقدند که اخلاقاً مسوول جبران اعمال گذشته خود هستند و باید بکوشند خطایای گذشته خود را تصحیح کنند. واکنش مسیحیان به فقر جهانی تقریباً مانند پاسخ هر

